

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

■ **حضرت امیر المؤمنین علی:**

فرصت به مانند ابر گذرا می گذرد، پس فرصت های نیک را غنیمت دانید.

■ اذان ظهر: ۱۲:۱۰ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۰۴
■ اذان مغرب: ۱۹:۲۳ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۳
■ اذان صبح فردا: ۲:۴۲ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۱۷

■ پذیرش آگهی: ۸۳۳۲۱۰۰۰

■ چاپ: همشهری

■ تلفن: ۲۸۰۷۵۰۰۰

■ **توزیع و اشتراک:** موسسه نشر گستر امروز نوین

■ **تلفن توزیع:** ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ **تلفن اشتراک:** ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ **دفتر مرکزی:** تهران، خیابان ولیعصر (مج)، کوچه شهید سید کمال قریشی، شماره ۱۴

■ **کد پستی:** ۴۵۹۵۴-۱۹۶۶۴

■ **تلفن:** ۲۲۰۴۰۶۷، نمابر: ۲۲۰۳۰۰۰۰

■ **چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۴** ■ **سال سی و سوم** ■ **شماره ۹۴۵۸**

■ سرمایه گذاری برای تولید

حافظ

خم زلف تو دام کفر و دین است
ز کارستان او یک شمه این است

صفحه از: علیرضا بهرامی

■ **همشهری آنلاین:** www.hamshahronline.ir

■ **سایت روزنامه:** newspaper.hamshahronline.ir

صفحه آخر

■ **سیاسی و دیپلماتیک:**

■ مدیر: حسین راجلو

■ **شهزنگار:**

■ مدیر: مریم باقرپور

■ **اقتصاد:**

■ مدیر: حسین لطفی

■ مدیر: مریم موسوی پور

■ **تماشادر:**

■ مدیر: امیر محمد یعقوب پور

■ مدیر: لیلی خرسند

■ **گزارش:**

■ مدیر: قهیمه طباطبائی

■ **صاحب امتیاز:**

■ مؤسسه همشهری

■ مدیر مسئول: محسن مهدیان

■ مدیر: دانیال معمار

■ **دبیر تحریریه:**

■ شهرام فرهنگي

■ **معاونان سردبیر:**

■ علی عمادی، شاهین امین

■ مدیر فنی: حامد یزدانی

■ مدیر هنری: مهدی سامانی

■ دبیر عکس: امیر یزپور

■ **سرزمین من:**

■ مدیر: سید زهرا عباسی

■ دبیر: زهرا رفیعی

■ **تدرستی:**

■ مدیر: جواد نصرمتی

■ دبیر: مریم سروش

■ **سرنخ:**

■ مدیر: جواد عزیزی

■ دبیر: محمد جعفری

■ **دانشنامه:**

■ مدیر: ساسان شادمان

■ دبیر: زهرا خاجی

■ **جامعه:**

■ مدیر: سعید میر

■ دبیر: فاطمه عسکری نیا

■ **۲۴ (سینما و تلویزیون):**

■ مدیر: سعید مروی

■ دبیر: علیرضا محمودی

■ **صفحه آخر:**

■ دبیر: عباسی محمدی

■ **سرگرمی:**

■ دبیر: فرامان شیرازی

■ **طرح و گرافیک:**

■ دبیر: محمدعلی خلیلی

■ **سردبیر آنلاین:**

■ اسماعیل سلطنت پور

■ **معاونان آنلاین:**

■ مجتبی صادقی،

■ کامران یازجی، حامد فوقانی

■ **مدیر فضای مجازی:**

■ زهرا سادات بهشتی

■ **مدیر پیش زنده:**

■ امیرحسین محمد دوست

■ **مدیر تولید تلویزیون:**

■ الهه سادات بهشتی

هشتگ

نامه‌ای به ایران



سفر، قصه غریبی است؛ به ویژه وقتی قرار باشد با رکاب زدن، هزاران کیلومتر را از یک سوی جهان به سوی دیگر طی کنی. این حکایت جهانگرد جوان ایرلندی است که با دو چرخه‌اش، سفر ماجراجویانه‌ای را از خانه تا شرق آسیا آغاز کرد. در میانه این مسیر پرفراز و نشیب، مقصد او به ایران رسید؛ کشوری که تجربه حضور در آن، احساساتش را به گونه‌ای دگرگون کرد که ویدئوی خداحافظی‌اش، به نامه‌ای عاشقانه و پربازدید برای مردم این سرزمین تبدیل شد.

«کشوری که بیشترین هشدار را درباره‌اش به من داده بودند، اما ای کاش مجبور نبودم به این زودی ترکش کنم.» این آغاز نامه تصویری این جهانگرد ایرلندی به ایران است؛ روایتی متفاوت که تلاش می‌کند خط بطلانی بر کلیشه‌های رسانه‌ای بکشد. او تجربه‌اش از بودن در ایران را این گونه توصیف می‌کند: «کسانی که به من گفتند به ایران سفر نکن، هرگز تو را نشناخته‌اند.»

این جهانگرد با کتای به زیرساخت‌های کشورش، از متروی پیشرفته تهران در کشوری تحت تحریم می‌گوید و مهمان نوازی ایرانیان را ستایش می‌کند: «هر دمی که برای دادن چای توقف می‌کنند، بطری آب را با آب یخ بر می‌کنند و در خنانشان را برای پر کردن کیسه‌ات از میوه خالی می‌کنند.»

نامه او با این جمله به پایان می‌رسد: «همین برای این یک ماه، به تلاش برای رسیدن به خواسته‌های بیشتر ادامه دهید؛ صبرانه منتظر دیدار دوباره‌مان هستیم.» این جملات، تنها بخشی از قدر دانی عمیق اوست. او در طول سفرش در ایران، نه یک تور سیست غریبه که عضوی از خانواده‌ای بزرگ بود. همان نوازی بی دریغ، لیخنده‌ای بی‌منت و مهربانی‌هایی که تجربه کرد، ایران را برای او به چیزی فراتر از یک مقصد جغرافیایی تبدیل کرد. این ویدئوی کوتاه، تصویری قدرتمند از انسانیت و پیوندهای عمیقی است که فارغ از مرزها و سیاست‌ها، قلب‌ها را به هم نزدیک می‌کند و نشان می‌دهد چرا ایران، برای بسیاری از مسافران تنها یک کشور نیست، بلکه یک احساس فراموش نشدنی است.

عکس خانه

سینما نیاگارا، ۶۷ سال پیش



سال‌ها در قلب تهران برهیا هو و در میانه خیابان جمهوری امروزی، بنایی قد پرافراشت که سر نوشتش با تاریخ سینمای ایران گره خور. «سینما «نیاگارا» در سال ۱۳۳۷، حوالی تقاطع خیابان ابوریحان، با ۹۶۰ صندلی، درهای خود را به روی عاشقان پرده نقره‌ای گشود. ساختمان این سینما که در ابتدا توسط یک مهندس هندی بنا شده بود، با هنر و طراحی معمار ایرانی، پل آبکار، کاربری سینما پیدا کرد و به فضای فرهنگی و هنری تبدیل شد؛ مکانی که قرار بود میزبان خاطرات چندین نسل از تهرانی‌ها باشد. در سال ۱۳۳۸، پوستر فیلم «هودینی» با نقش آفرینی تونی کر تیس و جنت لی بر سر در آن می‌درخشید و مردم را به تماشای جادویر پرده سینما دعوت می‌کرد. چندی بعد، شب‌های تابستان تهران نیز با رماندازی تراس تابستانی بر بام نیاگارا، میزبان خاطرات سینمایی شد.

این سینما که روزگاری محمدعلی فردین و رحمان گلزار مالکیت آن را بر عهده داشتند، پس از انقلاب دستخوش تغییرات بسیاری شد؛ نامش به «جمهوری» تغییر یافت و نیمه‌ی از مالکیت آن که متعلق به فردین بود و نیم دیگر به رحمان گلزار که به علی حاتمی رسید، تا پس از شادروان علی حاتمی، همسرش زری خوشکام و سپس دخترش لیلا حاتمی، میراث‌دار این کانون فرهنگی باشند. با همت لیلا حاتمی «کافه آنتراکت» در طبقه دوم جان گرفت؛ فضایی برای فیلم‌های کوتاه، مستند و موسیقی که نض هنر مستقل را در قلب سینمای قدیمی زنده نگه می‌داشت.

اما این قصه پرافتخار، پایانی تلخ داشت. در ۲۵ آبان ۱۳۸۷، شعله‌های آتش کالبد این سینما را در کام خود فرو برد و این خاطره‌ساز بزرگ را برای همیشه به سکوت و خاموشی کشاند. امروز از آن بنای باشکوه تنها خاطره‌ای مانده است: روایتی از یک دوران طلایی که در میان دود و خاکستر به پایان رسید.

نقاط جوش زمین

در میانه گرم مرداد ماه، سراغ داغ‌ترین نقاط زمین رفته‌ایم



سیدمروش طباطبائی پور

مرداد را قله تابستان می‌دانند، چون معمولاً در حال تجربه بالاترین حد دما هستند و از گرما کلافه شده‌اند و البته آرزو دارند هرچه زودتر از قله پایین بیایند و به سرآشینی مطبوع روزهای شهریوری برسند. حالا در این روز اوج گرما، به سرزمین‌هایی سفر می‌کنیم

دشت مرگ (آمریکا)

در سال ۱۹۱۳ میلادی، دره مرگ در کشور آمریکا با دمای ۵۶/۷ درجه سانتی‌گراد، یکی از گرم‌ترین نقاط جهان در طول تاریخی بود که انسان‌ها توانسته‌اند آن را ثبت کنند. آنجا در پارک ملی دره مرگ کالیفرنیا، شرقی یکی از گرم‌ترین، خشک‌ترین و کم‌ارتفاع‌ترین نقاط جهان قرار دارد. نکته جالب درباره این منطقه آن است که در پی پدیده النینو یا همان تغییرات آب و هوایی، در سال ۲۰۱۶ بارندگی‌های شدید، برای مدتی آنجا را به دره‌ای پر از گل‌های رنگارنگ تبدیل کرد.



غدامس (لیبی)

کندوهای عسل گرم

صحرای غدامس، واحه‌ای در قلب صحرای آفریقا است که معمولاً تابستان‌هایی با دمای بالای ۵۰ درجه سانتی‌گراد را تجربه می‌کند، اما تنها شدت گرما در این منطقه منحصر به فرد نیست. غدامس، یک شهر بیابانی باستانی است که خانه‌های خشتی به رنگ سفید، کوچه‌های سر پوشیده و شمالی شبیه کندوی عسل، آن را به یکی از منحصر به فردترین مناطق مسکونی تبدیل کرده است. خلاصه اینکه مردانش با شکل معماری، تلاش می‌کنند گرما را تحمل کنند.



وادی حلفا (سودان)

دریغ از یک لکه ابر

مناطق بیابانی در مرکز و شمال سودان، به‌خصوص در مرز با کشور مصر، یکی از آفتابی‌ترین نقاط روی زمین است. به‌خصوص در وادی حلفا در سودان، علاوه بر گرما که متوسط دمای تابستان و زمستان آن به ۴۰ درجه هم می‌رسد، گاهی در طول سال حتی یک لکه ابر هم دیده نمی‌شود و گرما را غیر قابل تحمل‌تر می‌کند. این منطقه در کرانه شرقی رود نیل واقع شده و حدود ۴ هزار نفر جمعیت دارد. در گذشته‌های دور، قبایل نوبی در اینجا ساکن بودند که هنوز هم ردی از آنها پیداست.



شهیدان کرمان، کویر لوت، عکس: مهدی بیات

روزمره نویسی‌ها

آداب مترو سواری



عباسی محمدی

من از مشتریان همیشه‌گی

مترو و بی‌آرتی هستم،

یعنی حتی گاهی مسیری

را که برایم راحت‌تر است با تاکسی بروم ترجیح می‌دهم از

مترو و بی‌آرتی استفاده کنم. چرایش را نمی‌دانم اما یکی

از دلایلش این است که غالباً مترو و بی‌آرتی خنک‌ترند،

البته به استثنای مسیرهای سربالایی بی‌آرتی که به روایت

راننده‌ها اگر کولر بگیرند ماشین دشار زحمت اضافه

می‌شود تا به مقصد برسند. درحالی که تاکسی‌ها غالباً

به‌شدت از کولر ماشین‌شان مراقبت می‌کنند. بگذریم.

از رفتارهای عجیبی که در مترو غالباً مشاهده می‌کنم،

این است که برخی از شهروندان به خودشان این اجازه

را می‌دهند که مانع بسته شدن در مترو شوند. اما چرا؟

طبیعتاً چون خودشان دارند سوار می‌شوند. بعضی‌ها هم

که دسته‌جمعی تردد می‌کنند، یک نفرشان از پله‌ها سریع

پایین می‌دود و در مترو را نگه می‌دارد تا نفرات بعدی با

افتخار تمام از راه برسند و فاتحانه وارد واگن‌ها شوند. اما از

نکته‌های خیلی عجیب‌ترش این که، مثلاً یک نفر در واگن

و نزدیک در می‌ایستد و وقتی می‌بیند عده‌ای از پله‌ها پایین

می‌آیند که سوار مترو شوند، در را برای آن‌ها نگه می‌دارد تا

داخل شوند. آن‌ها هم که از این فردین‌بازی به‌وجد آمده‌اند

تشکراتی نثار طرف مقابل می‌کنند و سوار می‌شوند. لابد

این شهروند محترم هم فکر می‌کند که کار خوبی کرده و

امروزم بدون کار خوب طی نشده است.

اما نکته مقابل این رفتار چیست؟ گاهی در مترو هستیم

و راهبر اعلام می‌کند که بله! چه نشسته‌اید که در فلان

و بهمان ایستگاه توقف نخواهیم داشت و بی‌زحمت در

ایستگاه قبل‌تر یا بعدتر پیاده شوید. اما چرا باید مترو در

یک ایستگاه توقف نداشته باشد؟ مگر ایستگاه به این

منظور ساخته نشده؟ یکی از نکته‌های همین نگهداشتن

درهاست. شما تصور کن که در طول روز چند نفر در یک

خط، چندبار درها را نگه می‌دارند و هر کدام چند ده ثانیه و

گاهی یکی دو دقیقه حرکت قطار را با وقفه روبه‌رو می‌کند.

این‌ها را که جمع کنید، نمی‌بینید چاره‌ای نمی‌ماند تا بعضی

از ایستگاه‌های خلوت‌تر، قربانی این نیت خیر آن دسته از

شهروندان بشوند. واقعا اسم این رفتار را می‌شود کار خیر

گذاشت؟ و چرا انهایی که این کار‌ها را می‌کنند، توجه

ندارند که ممکن است رفتارشان چه تبعاتی داشته باشد؟

و چرا بخشی از ما، دست از این کار‌هایمان بر نمی‌داریم؟

کاری که نفعی کوتاه‌مدت برای یک یا چند نفر و زبانی

بلندمدت‌تر برای همه مسافران آن خط می‌تواند داشته

باشد. بیچاره آن ایستگاه‌هایی که باید ناوان این کار بعضی

از شهروندان را پس بدهند و طبیعتاً کارمای مثنوی بی‌یقه

این افراد را خواهد گرفت و روزگاری در همان ایستگاه،

قربانی همین کارمای شهری خواهند شد...

دور دنیا

چیپس با طعم باتری ۹ ولتی



۳۰ یا ۴۰ سال پیش، دنیای اسباب‌بازی‌ها بسیار ساده و ابتدایی بود و بچه‌ها با بسیاری از وسایل الکی، خودشان را سرگرم می‌کردند؛ یکی از این سرگرمی‌های مسخره، این بود که بچه‌ها زانشان را برای یک لحظه به سر باتری‌های قلمی و یا کتایی می‌چسباندند تا طعم فلزی و وزوزی خفیف را روی زانشان تجربه کنند. حالا یک شرکت تولیدکننده نقلات هلندی، برای اولین‌بار و برای یادآوری همان تجربه عجیب، چیپسی با طعم باتری ۹ ولتی تولید و آن را به بازار عرضه کرده است. یکی از مدیران بخش طعم در این شرکت می‌گوید: «در کودکی، از ترکیب اسید ستریک و بی‌کربنات سدیم برای سوزش زبان ما استفاده می‌کردند که البته حس متفاوت و خوشایندی داشت و حالا ما در این چیپس‌ها، با اضافه کردن کمی نمک معدنی آن را متعادل کردیم تا طرز شگفت‌انگیزی، چیپس‌مان خوشمزه شود و مشتری‌های ما را به یاد کودکی خودش بیندازد. البته این شرکت به‌صرفه‌کنندگانش کاملاً اطمینان داده که برای تولید این چیپس، از هیچ کدام از اجزای باتری استفاده نکرده و این میان وعده نوسالزی، کاملاً این است و ارزش غذایی‌اش دارد. این چیپس فعلاً تنها در هلند تولید و پخش می‌شود؛ اما مدیران این شرکت تولیدی در تلاشند تا به‌زودی بخش چیپس با طعم باتری ۹ ولتی خود را به بازار اروپا گسترش دهند.